

چالش‌های عدالت انتقالی با اقتدارگرایی در مصر پسامبارک^۱

مهدی ذاکریان*

سید رضی عمادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۳۱

چکیده

اصول سستی حقوق بین‌الملل نظیر اصول حاکمیت دولت‌ها، عدم مداخله در امور داخلی کشورها و همچنین اصل مصونیت مقامات دولتی در دهه نخست قرن ۲۱ کارکرد خود را از دست داده و دچار تحول معنایی شدند. در مقابل؛ بعد اخلاقی حاکمیت دولت‌ها از اهمیت زیادی برخوردار شده است. مطرح شدن مفاهیمی نظیر مسئولیت حمایت و عدالت انتقالی در عمل به این معنا است که تحولات داخلی کشورها و رفتارهای غیرحقوقی و نقض حقوق بشر توسط دولت‌ها، واکنش‌های داخلی و بین‌المللی را به دنبال خواهد داشت. این اتفاق آشکارا در تحولاتی که جهان عرب از سال ۲۰۱۱ به بعد تجربه کرده است، رخ داد. حاکمان سه کشور عربی لیبی، تونس و مصر که در دوران قدرت خود به اشکال مختلف مرتکب نقض حقوق بشر شدند، پس از برکناری از قدرت در معرض محاکمه قرار گرفتند. با این حال، محاکمه مقامات رژیم سابق مصر فرآیند متفاوتی را از لیبی و تونس طی کرد و در واقع، عدالت انتقالی در این کشور به شکل ناقص و هدایت شده و بدون اینکه منجر به اجرای عدالت شود، به اجرا در آمد. پرسش کلیدی این مقاله این است که چرا عدالت انتقالی در مصر به اجرای عدالت علیه مقامات سابق منجر نشده است؟ فرضیه اصلی این مقاله نیز این است که برتری یافتن منافع سیاسی حاکمان جدید مصر اعم از شورای نظامیان، دولت اخوانی و دولت موقت تحت حمایت نظامیان و همچنین تداوم حضور نظامیان در ساختار قدرت سبب اجرای ناقص سازوکارهای عدالت انتقالی درباره مقامات رژیم گذشته مصر شده است. این مقاله بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های معتبر اسنادی و آرشیوی سعی دارد چالش‌های عدالت انتقالی را در مصر پسامبارک بررسی کند.

واژگان کلیدی: عدالت انتقالی، مصر، تغییر رژیم، نقض حقوق بشر، معافیت از مجازات

۱. این مقاله برگرفته از پروژه ای تحقیقاتی با عنوان «عدالت انتقالی در جوامع در حال انتقال خاورمیانه و شمال آفریقا: مطالعه

موردی تونس، مصر و لیبی» است که برای صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور اجرا شده است.

۲. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

* نویسنده مسئول: Mzakerian@yahoo.com

۳. دانش آموخته روابط بین‌الملل، پژوهشگر مسائل خاورمیانه و شمال آفریقا

مقدمه

مصر را می‌توان مهم‌ترین کشوری نامید که در سال ۲۰۱۱ شاهد انتقال قدرت در جهان عرب بود. پس از سقوط نظام سابق، مصر شاهد فرایند پیچیده محاکمه مقامات رژیم حسنی مبارک و به عبارت حقوقی شاهد آغاز فرایند اجرایی «عدالت انتقالی» بود. پایه اجرای عدالت انتقالی در مصر از همان ابتدا به صورت ناقص شکل گرفت زیرا در حالی که در دوران حکومت «حسنی مبارک» از سال ۱۹۸۱ تا فوریه ۲۰۱۱ ارتکاب جنایت‌های متفاوت و نقض گسترده حقوق بشر از جمله ناپدیدشدگی اجباری، شکنجه و کشتار توسط نیروهای امنیتی دیده شده است، تنها برخی موارد محدود از جرائم ارتكابی در دوره زمانی ۱۸ روزه انقلاب ۲۵ ژانویه (از ۲۵ ژانویه تا ۱۱ فوریه) مورد رسیدگی قرار گرفت. در مصر پس از مبارک اصل مسئولیت و پاسخگویی به جرائم گذشته نادیده گرفته شد و همین عامل سبب شد نیروهای امنیتی مصر به ویژه نظامیان برای اعمال خشونت بیشتر علیه معترضان هوادار دموکراسی در دوره‌های مختلف پس از مبارک هراسی نداشته باشند. پرسش اصلی این است که چرا عدالت انتقالی در مصر نتوانسته است به اجرای عدالت علیه مقامات سابق این کشور منجر نشود؟ این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی نقش نظام قضایی در ایجاد یک حکمرانی خوب و یا نقش آن در تقویت اقتدارگرایی و ضعف دموکراسی در یک کشور انجام شده است.

۱. ادبیات پژوهش

پس از اینکه بهار عرب در سال ۲۰۱۱ آغاز شد، مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی در این خصوص از زوایای مختلف به نگارش درآمده است، اما این رخداد تأثیرگذار کمتر از زاویه حقوق بین‌الملل به خصوص از بعد عدالت انتقالی بررسی شده است. یکی از دلایل این است که مفهوم عدالت انتقالی یکی از مفاهمی نوین در حقوق بین‌الملل است که با وجود اینکه مورد توجه جامعه علمی در کشورهای مختلف قرار گرفته، در جامعه علمی ایران کمتر به آن پرداخته شده است. با این حال، حتی در تحقیقات علمی

کشورهای مختلف نیز کمتر به تحولات سال‌های اخیر مصر از منظر ارزیابی نقش نظام قضایی پرداخته شده است. اگرچه برخی خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها در ایران بهار عرب را از منظر عدالت انتقالی به طور مختصر بررسی کردند، اما در کارهای دانشگاهی آثار اندکی در این خصوص وجود دارد.

سازوکارها و کارکرد عدالت انتقالی، تحولی مهم در حقوق بین‌الملل

این مقاله نیز توسط مهدی ذاکریان و سید رضی عمادی نوشته و در شماره اول فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است. در این مقاله صرفاً مفهوم عدالت انتقالی و سازوکارهای آن در بعد نظری بررسی شده و هیچ اشاره‌ای به بهار عرب از جمله کشور مصر نشده است.

ارزیابی سازوکارهای سنتی اجرای عدالت در جوامع انتقالی

این مقاله توسط «مهین سبحانی» نوشته و در شماره ۱۵ فصلنامه پژوهش حقوق کیفری دانشگاه گیلان در سال ۱۳۹۵ منتشر شده است. نویسنده در این مقاله ضمن تعریف جوامع انتقالی به شیوه‌های سنتی اجرای عدالت در این جوامع از جمله شیوه ریش سفیدی می‌پردازد. در این مقاله نسل‌کشی در رواندا و محاکم گآچاچا که برگرفته از شیوه سنتی اجرای عدالت است، بررسی شده است. در این مقاله سایر سازوکارهای اجرای عدالت انتقالی از جمله کمیسیون حقیقت‌یاب، اصلاح نهادی، غرامت و حتی دادگاه‌ها به شکل محاکم مدرن توجه نشده است. همچنین در این مقاله مطالعه موردی رواندا انتخاب شد.

علل ناکامی در کاربرد سازوکارهای عدالت انتقالی و تأثیر آن بر بی‌سامانی سیاسی

در لیبی پساقذافی

این مقاله توسط مهدی ذاکریان و سید رضی عمادی نوشته و در شماره ۴۵ بهار ۱۳۹۵ فصلنامه رهیافت سیاسی و بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی تهران منتشر شده است. در این مقاله ضمن ارائه چارچوب مفهومی از عدالت انتقالی، علل ناکامی در اجرای

سازوکار عدالت انتقالی و تأثیر آن بر بی‌سامانی سیاسی در لیبی پساقذافی بررسی شده است. در این مقاله هیچ اشاره‌ای به عدالت انتقالی در مصر و نقش نظام قضایی مصر در شکست انقلاب سال ۲۰۱۱ نشده است.

سازوکارهای کارآمد و مشروع عدالت انتقالی

این مقاله نیز توسط خانم «مهین سبجانی» نوشته و در شماره اول سال ۱۳۹۶ پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان منتشر شده است. نویسنده در این مقاله ضمن اشاره به اهداف عدالت انتقالی، سازوکارهای کیفری و غیرکیفری عدالت انتقالی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در واقع، این مقاله، یک تحقیق نظری است که مطالعه موردی ندارد. این در حالی است که مقاله پیش‌رو، ضمن تعریف مفهومی از عدالت انتقالی و سازوکارهای آن، مصر را به‌عنوان مطالعه موردی برگزیده و نقش نظام قضایی مصر را در اجرا نشدن عدالت انتقالی بررسی کرده است.

درآمدی بر مفهوم عدالت انتقالی در حوزه حقوق بین‌الملل و نقش کرامت انسانی و اخلاقی در توسعه آن

این مقاله سید نجم‌الدین قریشی، عباسعلی کدخدایی، مجتبی بابایی و فاطمه سوهانیان و در فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، سال هشتم، شماره چهارم سال ۱۳۹۷ منتشر شده است. موضوع محوری این مقاله این است که پیش شرط اصلی رسیدن به صلح پایدار، تأمین عدالت و کرامت انسانی در کشورهایی است که شاهد جنایت گسترده علیه بشریت بوده‌اند. در این مقاله، نظریه‌های مختلف در خصوص اجرای عدالت انتقالی بررسی شده است و هیچ اشاره‌ای به بهار عربی و عدالت انتقالی در مصر ندارد.

۲. چارچوب نظری: مفهوم‌شناسی عدالت انتقالی

تعاریف متعددی از عدالت انتقالی شده اما این مقاله بر تعریف سازمان ملل از عدالت انتقالی تمرکز کرده است. سازمان ملل متحد، عدالت انتقالی را به «مجموعه‌ای کامل از پرونده‌ها و سازوکارهای قضایی و غیرقضایی که با تلاش‌های جامعه برای فائق آمدن بر

میراث بر جای مانده از نقض حقوق بشر در گذشته ادغام می‌شود و در جهت تضمین پاسخگویی، اجرای عدالت و دستیابی به آشتی می‌باشد»، تعریف کرده است. (Report of the Secretary General, 23 August 2004: 4) می‌گیرد که نمی‌توان به جامعه باثبات، دارای صلح پایدار، عادلانه و مبتنی بر حاکمیت قانون دست یافت مگر این‌که به میراث جنگ، جنایات و نقض گسترده حقوق بشر رسیدگی کرد. عدالت انتقالی می‌خواهد جامعه‌ای سالم‌تر و انسانی‌تر پی‌ریزی کند. (قریشی، کدخدایی، بابایی و سوهانیان، ۱۳۹۷: ۱۳۲) مهم‌ترین مکانیسم‌های اجرای عدالت انتقالی عبارت‌اند از: کمیسیون‌های حقیقت، غرامت، دادگاه‌ها، اصلاح نهادی و ظرفیت‌بازسازی، پاک‌سازی یا تطهیر، عفو و متدهای سنتی عدالت.

نکته مهم در مورد مکانیسم‌های اجرای عدالت انتقالی این است که عدالت انتقالی از لحاظ شیوه‌های تطبیق و اجرا بسیار متأثر از زمینه‌ها و شرایط اجتماعی کشورها است. از این رو، تطبیق عدالت انتقالی در کشورهای مختلف متفاوت بوده و از یک نسخه کاملاً ثابت و یکسان پیروی نمی‌کند. با این حال، هر یک از این مکانیسم‌های عدالت انتقالی به یکدیگر نیاز دارند و استفاده ترکیبی از آنها می‌تواند مفید باشد. برای مثال محاکمه تعداد محدودی از مجرمان بدون تشکیل کمیسیون حقیقت، اصلاح نهادی یا تلاش‌های غرامتی، می‌تواند بیش از آنکه بیانگر اجرای عدالت باشد به عنوان فرمی از «انتقام سیاسی» دیده شود.

۱-۲. چه جرائمی مشمول عدالت انتقالی می‌شوند؟

موارد نقض حقوق بشر در کنوانسیون‌های متعدد حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح شده است اما به‌طور کلی می‌توان گفت نقض «قواعد بنیادین حقوق بشر» که در اغلب کنوانسیون‌ها مورد تأکید قرار گرفتند و همچنین جنایات چهارگانه

1. Accountability
2. Reconciliation

۳. برای اطلاعات بیشتر درباره قواعد بنیادین حقوق بشر ر.ک. به: ذاکریان مهدی، (۱۳۹۲)، همه حقوق بشر برای همه،

تهران، انتشارات میزان



مصرح در اساسنامه «دیوان کیفری بین‌المللی»^۱ به عنوان موارد اصلی نقض حقوق بشر محسوب می‌شوند. قواعد بنیادین حقوق بشر که مورد توافق اغلب کنوانسیون‌های بین‌المللی است شامل آن دسته از قواعد حقوق بشری است که تحت هیچ شرایطی قابل تعلیق یا نقض نیستند. (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۲۵-۲۴) برخی از مهم‌ترین قواعد بنیادین حقوق بشر عبارت‌اند از: منع شکنجه، ممنوعیت بردگی، حق حیات، منع تبعیض اعم از اقتصادی، سیاسی و مذهبی، آزادی بیان، عقیده و آئین و بند دوم ماده ۴ «پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» این حقوق را در زمره حقوق غیرقابل انحراف اعلام کرده است. جنایات چهارگانه مصرح در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی شامل جنایت نسل‌کشی،^۲ جنایت علیه بشریت،^۳ جنایت جنگی^۴ و جنایت تجاوز نیز در زمره مواردی محسوب می‌شوند که ارتکاب آن‌ها سبب شمول اجرای عدالت انتقالی برای مقامات متهم می‌شود.

۲-۲. چه کسانی مشمول فرآیند اجرای عدالت انتقالی می‌شوند؟

در اجرای عدالت انتقالی دو گروه مد نظر قرار دارند: مرتکبان نقض حقوق بشر و قربانیان نقض حقوق بشر. مرتکبان کسانی هستند که در دوران قدرت یا در دوران رژیم گذشته مرتکب نقض گسترده حقوق بشر شدند. این افراد می‌توانند شامل رهبران حکومت‌ها، خانواده و وابستگان آن‌ها، مقامات سیاسی و حزبی، نیروهای نظامی، امنیتی و قضایی رژیم گذشته باشند. قربانیان نیز بخش دیگر عدالت انتقالی هستند که اصطلاح قربانی در قطعنامه «اصول پایه‌ای و راهنمایی‌های حق جبران و غرامت برای قربانیان نقض حقوق بشر» که توسط مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ تصویب شد، این گونه تعریف شده است: «قربانیان افرادی هستند که به شکل فردی یا جمعی متحمل آسیب‌هایی شامل آسیب روحی و فیزیکی، رنج احساسی، خسارت اقتصادی یا نقض حقوق ذاتی‌شان از طریق اعمال یا غفلت‌هایی شوند که نقض گسترده حقوق بشر

1. International Criminal Court
 ۲. ماده ۶ دیوان کیفری بین‌المللی به ارائه تعریف و دایره شمول جنایت نسل‌کشی پرداخته است.
 ۳. ماده ۷ دیوان کیفری بین‌المللی به ارائه تعریف و دایره شمول جنایت علیه بشریت پرداخته است.
 ۴. ماده ۸ دیوان کیفری بین‌المللی به ارائه تعریف و دایره شمول جنایت جنگی پرداخته است.

بین‌المللی یا نقض جدی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را تشکیل می‌دهد.» این قطعنامه قربانیان را به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرده و قربانیان مستقیم را اشخاصی می‌داند که خود متحمل خسارات و نقض گسترده حقوق بشر شدند و قربانیان غیرمستقیم را نیز خانواده یا وابستگان قربانیان مستقیم می‌داند. (Val Garijo, 2010: 46)

۳. سازوکارهای عدالت انتقالی در مصر پس از مبارک

در مصر پس از مبارک از پنج سازوکار عدالت انتقالی برای بررسی و برخورد با جرائم انجام شده در دوران حکومت حسنی مبارک استفاده شد.

۳-۱. تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب

کمیسیون حقیقت‌یاب یکی از سازوکارهای عدالت انتقالی است که در مصر پس از مبارک در چهار بازه زمانی مورد استفاده قرار گرفت. نخستین کمیسیون حقیقت‌یاب در مصر به دستور «احمد شفیق»، آخرین نخست‌وزیر زمان مبارک، و یک روز قبل از برکناری حسنی مبارک از قدرت تشکیل شد. احمد شفیق در دهم فوریه ۲۰۱۱ دستور تشکیل کمیته حقیقت‌یاب درباره انقلاب مصر را صادر کرد. این کمیته وظیفه داشت درباره حوادث مصر از جمله اقدامات غیرقانونی که باعث خارج شدن تظاهرات از وضعیت مسالمت‌آمیز خود شد، تحقیق و با شنیدن سخنان شاهدان و پرسش از کسانی که با این حوادث ارتباط داشتند اقدامات لازم را اتخاذ کند و همه دستگاه‌های دولتی و سازمان‌های وابسته وظیفه داشتند اطلاعات لازم را در اختیار این کمیته قرار دهند. کمیته مذکور پس از تحقیق در این زمینه گزارش ۳۰۰ صفحه‌ای خود را که پیرامون تیراندازی‌ها و حوادث انقلاب از جمله حمله شترسواران طرفدار مبارک به تظاهرکنندگان بود، تقدیم وزیر سابق دادگستری و دادستان سابق کرد. (موافی، نوفمبر ۲۰۱۳: 13-14)

دومین کمیسیون حقیقت‌یاب در مصر توسط «شورای عالی نیروهای مسلح» مصر که پس از برکناری مبارک، قدرت را تا زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در اختیار داشت، در آوریل سال ۲۰۱۲ یعنی تنها یک ماه پس از برکناری مبارک از قدرت، تشکیل شد. این کمیسیون تنها نقض حقوق بشر در دوران ۱۸ روزه انقلاب ۲۵ ژانویه مصر را مورد بررسی قرار داد و پس از بررسی حوادث، شمار افراد کشته و زخمی را اعلام و پلیس مصر و برخی از اعضای حزب دموکراتیک ملی را مسئول این اتفاقات اعلام کرد. اما جامعه مدنی و مخالفان مصری، گزارش این کمیسیون را «غیرشفاف» دانسته و مفید ارزیابی نکردند. (Barsalou, June 2012: 3)

سومین کمیسیون حقیقت‌یاب توسط «محمد مرسی»، به‌عنوان نخستین رئیس جمهوری مصر پس از مبارک، تشکیل شد. محمد مرسی در پنجم ژوئیه ۲۰۱۲ دستور جمع‌آوری اطلاعات و حقیقت‌یابی درباره کشتار تظاهرات کنندگان در مناطق مختلف مصر را صادر کرد. بر اساس این حکم، کمیته‌ای به ریاست و عضویت برخی از مقامات مصری و شماری از نمایندگان خانواده‌های شهداء، زخمی‌ها و جوانان انقلابی به‌عنوان ناظر تشکیل شد. اختیارات این کمیته شامل بازدید از مکان‌های حادثه، جمع‌آوری اطلاعات درباره حوادث، گفتگو با نیروهای ارتش، شاهدان و تشکیلاتی که در این حوادث شرکت داشتند، بررسی آثار مادی به جای مانده، بیان اطلاعات و ادله مربوط به جنایت‌های صورت گرفته در حق تظاهرات کنندگان، آگاهی از تحقیقات و محاکمات صورت گرفته، بود. بر اساس حکم رئیس‌جمهور، کمیته مذکور وظیفه داشت نتایج گزارش خود را حداکثر ظرف دو ماه ارائه دهد. در این کمیته نیز از بررسی وضعیت قربانیان رژیم گذشته چشم‌پوشی و نقش این کمیته تنها به یافتن حقایق محدود شد. اعضای کمیته نیز از دادن هر نوع اطلاعات به رسانه‌ها منع شدند. (موافی، نوامبر ۲۰۱۳: ۱۵-۱۴) چندین سازمان غیردولتی پیشنهادهای خود برای تشکیل مکانیسم جامع عدالت انتقالی به حکومت مصر ارائه کردند اما هیچگاه این پیشنهادها مورد توجه جدی قرار نگرفتند. اگر چه متن گزارش کمیته مذکور به طور علنی منتشر نشد ولی رسانه‌های داخلی و خارجی بخش‌هایی از این گزارش به ویژه بخش‌های مربوط به سخنان شاهدان

1. The Supreme Council of the Armed Forces (SCAF)

را منتشر کردند. به گفته شاهدان، نیروهای ارتش بازداشت‌شدگان را شکنجه و به قتل رسانده و عده‌ای از آن‌ها را در گورهای جمعی به خاک سپردند. (Abdel Tawab, 2013: 106)

چهارمین کمیسیون حقیقت‌یاب در مصر پس از مبارک در سال ۲۰۱۳ و توسط «عدلی منصور»، رئیس‌جمهور موقت، برای بررسی جنایات انجام گرفته توسط اخوان‌المسلمین در طول دوران یک ساله قدرت آن تشکیل شد. نکته مهم درباره فعالیت این کمیسیون تحقیق این بود که حتی جنایات رژیم حسنی مبارک در دوران ۱۸ روزه انقلاب ۲۵ ژانویه را نیز مورد بررسی قرار نداد و تنها به تخلفات اخوان‌المسلمین در دوران یک ساله تصدی قدرت رسیدگی کرد. نتایج گزارش این کمیسیون نیز توسط دولت موقت منتشر نشد.

موضوع مهم درباره کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در مصر این است که در تشکیل این کمیسیون‌ها تمایلات سیاسی دخالت داشته و بی‌طرفی در انتخاب اعضا و چگونگی فعالیت این کمیسیون‌ها وجود نداشته است. اگر کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در مصر همانند بحرین به ریاست یک قاضی بین‌المللی نظیر «شریف بسیونی»^۲ تشکیل می‌شد، می‌توانستند از کارآمدی بیشتری برخوردار باشند. می‌توان گفت کمیسیون حقیقت‌یاب، به عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای عدالت انتقالی، در مصر در هر چهار دوره پس از برکناری مبارک از قدرت (نخست‌وزیری احمد شفیق، دوران نظامیان، دوران محمد مرسی و اخوان‌المسلمین و دوران موقت عدلی منصور) به شکل واقعی و با رویکرد حقوقی انجام نشده است.

۲-۳. تشکیل دادگاه‌ها

یکی دیگر از سازوکارهای اجرای عدالت انتقالی که در مصر مورد استفاده قرار گرفت، دادگاه‌ها هستند. در جریان تشکیل دادگاه‌ها در مصر نیز همانند تشکیل کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، رفتار و نگرش سیاسی بر رفتار و نگرش حقوقی برتری داشته است. «تقلیل‌گرایی»^۳ در جریان دادگاه‌های برگزار شده آشکارا وجود داشته است. این تقلیل‌گرایی در سه بعد زمان، متهم و اتهام وجود داشته است. به لحاظ زمانی؛ تنها جرائم

1. Adli Mansour
2. Cherif Bassiouni
3. Reduction

ارتکاب یافته در جریان انقلاب ۲۵ ژانویه مورد بررسی قرار گرفت. اما نکته مهم این است که همه جرائم مربوط به دوره ۱۸ روزه انقلاب نیز مورد بررسی قرار نگرفت و تنها به حوادثی نظیر «جمل»^۱ یا «ماسپرو»^۲ توجه شد. شمار متهمان نیز در دادگاه‌های مصر محدود بود. درحالی که عدالت انتقالی باید شامل همه کسانی شود که مرتکب نقض حقوق بشر به اشکال مختلف شدند، در مصر تنها حسنی مبارک، پسران مبارک و وزیر کشور رژیم وی به دلیل ارتباط با موارد نقض حقوق بشر در جریان انقلاب محاکمه شدند. فرماندهان نظامی مصری هیچگاه حتی در دادگاه‌های نظامی نیز حاضر نشدند اما صدها افسر پلیس به دلیل تیراندازی به معترضان در جریان انقلاب محاکمه و اغلب آن‌ها نیز از هرگونه اتهامی تبرئه شدند. به جز تعداد معدودی از متهمان، بقیه متهمان حتی بازداشت نشده و حتی بسیاری از آن‌ها به مراتب بالاتر ارتقا مقام یافتند. در حوزه بررسی اتهامات وارده به متهمان نیز محدودنگری آشکار بوده است. اتهامات متهمان تنها به تلاش نکردن برای جلوگیری از کشتار مردم و همچنین به فساد و اختلاس مالی محدود شد. این در حالی است که در جریان انقلاب ۲۵ ژانویه تخلفات مهمی نظیر کشته و زخمی کردن معترضان، بازداشت معترضان و فعالان سیاسی، قطع ارتباطات از جمله قطع اینترنت و تلفن همراه، شکنجه فعالان و سرکوب اعتراض‌های مردمی رخ داد که متخلفان این تخلفات از هرگونه محاکمه و مجازات در امان ماندند. (موافی، نوامبر ۲۰۱۳: ۱۷-۱۳)

استفاده از مکانیسم دادگاه برای اجرای عدالت انتقالی را می‌توان در سه قسمت مورد بررسی قرار داد: محاکمه مبارک، پسران مبارک، وزیر کشور و شش معاون وی، محاکمه شماری از مقامات و وزرای رژیم مبارک، و محاکمه افسران پلیس.

۳-۲-۱. محاکمه حسنی مبارک، پسران مبارک، حبيب العادلی، وزیر کشور مبارک و شش معاون العادلی

نخستین بار در دهم آوریل ۲۰۱۱ حسنی مبارک و پسرانش «جمال مبارک»^۳ و «علاء مبارک»^۴ احضار و دستور بازجویی از آن‌ها صادر شد. اتهام وارده به آن‌ها کشتار معترضان

- | | |
|----|---------------|
| 1. | Camel Case |
| 2. | Maspero Case |
| 3. | Gamal Mubarak |
| 4. | Alaa Mubarak |

در طول انقلاب ۲۵ ژانویه، اختلاس از بودجه دولتی و رشوه‌خواری و فروش گاز به اسرائیل به قیمتی پائین‌تر از قیمت واقعی اعلام شد. (موافی، نوامبر ۲۰۱۳: ۱۵) «حیب العادلی»^۱ وزیر کشاورزی و شش معاون وی نیز به جلوگیری نکردن از کشتار معترضان متهم شد. (Petkova, December 2012: 5-6) به استثناء اتهام فساد، دیگر اتهام وارده به مبارک و اعضای رژیمش تنها محدود به ۱۸ روز انقلاب باقی ماند. نخستین جلسه دادگاه این افراد در اوت ۲۰۱۱ برگزار شد. این محاکمه تا ژوئن ۲۰۱۲ ادامه داشت. در نهایت این دادگاه، پسران مبارک و شش معاون حیب العادلی را از اتهام تبرئه کرد اما مبارک و العادلی به علت جلوگیری نکردن از کشتار مردم در جریان انقلاب ۲۵ ژانویه به حبس ابد متهم شدند. از این رو، حسنی مبارک و العادلی خواستار تجدیدنظر در حکم صادره شدند. (Al Asar, 24 September 2014)

مرحله دوم محاکمه مبارک و حیب العادلی از ۱۱ می ۲۰۱۳ آغاز شد. بیش از ۱۶۰ هزار صفحه پرونده تنظیم شد. از می ۲۰۱۳ تا سپتامبر ۲۰۱۴، ۵۴ جلسه دادگاه برگزار شد. (Michael, 27 September 2014) آنچه که واگرد عدالت انتقالی به عدالت هدایت شده در این دادگاه را شدت بخشید، همزمانی مرحله دوم دادگاه مبارک با خروج اخوان المسلمین از قدرت و بازداشت محمد مرسی بود. شواهد دیگری نیز مبنی بر اجرای عدالت هدایت شده در این دادگاه وجود داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. دعوت از شاهدان وفادار به رژیم گذشته: دادگاه مصر از افرادی نظیر محمد حسین طنطاوی^۲، وزیر دفاع مصر در زمان مبارک و احمد نظیف، نخست‌وزیر مبارک، به عنوان شاهد در این دادگاه دعوت کرده بود. (Michael, 27 September 2014)
۲. صدور حکم طی دو مرحله: حسنی مبارک در می ۲۰۱۴ به اتهام هدر دادن میلیون‌ها دلار از بودجه دولت برای نوسازی قصرهای ریاست جمهوری تنها به سه سال زندان و جمال و علاء، پسران مبارک نیز به همین اتهام به چهار سال زندان محکوم شدند (Fick, 21 May 2014) که این بخش اول از احکام صادر شده بود که هیچ حکمی درباره کشتار معترضان صادر نشد. از این رو، دادگاه ادامه پیدا کرد و حسنی مبارک برای نخستین بار در اوت ۲۰۱۴ از خود دفاع و اعلام کرد که وی هرگز دستور

1. Habib El Adly
2. Mohamed Hussein Tantawi

کشتار معترضان در سال ۲۰۱۱ را صادر نکرد و تاریخ درباره وی به نیکی قضاوت خواهد کرد. قاضی دادگاه درحالی که باید در سپتامبر ۲۰۱۴ حکم دادگاه را اعلام می کرد، خواستار زمان بیشتری برای صدور شد. (Michael, 27 September 2014)

در نهایت، قاضی دادگاه در تاریخ ۲۹ نوامبر ۲۰۱۴ مبارک، پسرانش و حبیب العادلی و شش معاونش را از اتهام کشتار معترضان تبرئه کرد تا سیاسی شدن دادگاه اثبات (Al Jazeera, 29 November 2014) و فرآیند تبدیل عدالت انتقالی به عدالت هدایت شده در مصر تکمیل شود.

۲-۲-۳. محاکمه برخی از وزیران و مقامات رژیم مبارک

علاوه بر حسنی مبارک، دو پسرش علاء و جمال، و حبیب العادلی، برخی از مقامات رژیم وی نیز در مصر محاکمه شدند. نکته مهمی که درباره محاکمه این مقامات وجود دارد این است که همه این افراد به دلیل فساد اقتصادی در دوران قدرت خود محاکمه شدند. این در حالی است که برخی از این افراد در جریان انقلاب ۲۵ ژانویه مرتکب جرائم مهمی نظیر مسدود کردن اینترنت و قطع تلفن همراه شدند که توسط دادگاه مورد بررسی قرار نگرفت. دیگر موضوع مهم این است که برای برخی از افراد محاکمه شده حتی حکم بازداشت نیز صادر نشد و محاکمه به حدی هدایت شده بود که برخی از مقامات حتی توانستند در جریان برگزاری دادگاه، اقامت کشورهای دیگر را بگیرند. مهم ترین افرادی که در دادگاه های مصر محاکمه شدند، عبارت اند از: (Petkova, December 2012: 6-7)

نام	پست	اتهام	حکم
احمد نظیف ^۱	نخست وزیر	درآمدهای نامشروع	سه سال حبس تعزیری یک سال حبس تعلیقی
احمد المغربی ^۲	وزیر مسکن	کسب زمین های غیرقانونی	به ۵ سال حبس محکوم شد اما حکم وی معلق شد.
اناس الفیقی ^۳	وزیر اطلاعات	فساد	به ۷ سال زندان محکوم شد اما حکم وی معلق شد
زهیر گرانا ^۱	وزیر گردشگری	حراج زمین و فساد	به اتهام حراج زمین به ۵ سال و به اتهام

1. Ahmed Nazif

2. Ahmed Al Maghrabi

3. Anas El Fiqqi

فساد به ۳ سال زندان محکوم شد			
۱۵ سال زندان	معامله گاز با اسرائیل	وزیر نفت	سامه فهمی ^۲
به ۱۰ سال زندان محکوم اما حکم وی ژانویه ۲۰۱۳ معلق شد	اتلاف منابع دولتی	وزیر کشاورزی	یوسف ولی ^۳
به ۲۰ سال زندگی در تبعید محکوم شد و در خلیج فارس اقامت گزید.	فساد و هدر دادن منابع دولتی	وزیر تجارت	رشید محمد رشید ^۴
به اتهام فساد به ۱۰ سال و به اتهام سودجویی به ۳۰ سال حبس متهم شد اما وی در بریتانیا اقامت گرفت.	فساد و سودجویی	وزیر امور مالی	یوسف بطروس غالی ^۵
به اتهام فساد و زمین‌های غیرقانونی منتظر محاکمه ماند، از حادثه جمل تبرئه شد و در دسامبر ۲۰۱۲ با قرار وثیقه آزاد شد.	فساد، کسب زمین‌های غیرقانونی، دخالت در حادثه جمل	رئیس سابق مجلس شورا	صفوت الشریف ^۶
۱۰ سال حبس	فساد	رئیس صندوق توسعه صنعتی	عمر اسال ^۷
به اتهام فساد مالی به ۱۰ سال حبس محکوم شد اما حکم وی معلق شد. به اتهام پولشویی نیز به ۷ سال زندان محکوم شد.	فساد مالی و پولشویی	عضو ارشد حزب دموکراتیک ملی	احمد عز ^۸
در اکتبر ۲۰۱۲ آزاد شد	به اتهام زمین‌های غیرقانونی و فساد تحت بازجویی قرار گرفت	دبیر کل سابق حزب دموکراتیک ملی	فتحی سرور ^۹
۷ سال زندان	سوءاستفاده از پست	رئیس دفتر رئیس‌جمهور	زکریا عظمی ^{۱۰}

۳-۲-۳. محاکمه شماری از افسران پلیس

سومین دادگاه مهمی که در مصر پس از مبارک تشکیل شد، مربوط به افسران پلیسی است که به کشتار معترضان به‌ویژه در حادثه «جمل» و «جمعه خشم» متهم شدند. نکته

1. Zohair Garranah
2. Sameh Fahmy
3. Youssef Wali
4. Rachid Mohamed Rachid
5. Youssef Boutros Ghali
6. Safwat El Sharif
7. Amr Assal
8. Ahmed Ezz
9. Fathy Sorour
10. Zakaria Azmy

مهم این است که هیچ یک از مقامات امنیتی و نظامی مصر به دلیل صدور حکم کشتار معترضان در جریان انقلاب محاکمه نشده و تنها ۱۰ افسر رده بالای پلیس به اتهام کشتار معترضان محاکمه شدند و بقیه افسران محاکمه شده را افسران رده پائین تشکیل می‌دادند. از آنجایی که شمار متهمان در این بخش زیاد بود، دادستانی کل مصر محاکمه این افراد را در دادگاه‌های شهرهای مختلف برگزار کرد. دادستانی مصر محاکمه افراد متهم به دخالت در تظاهرات جمعه خشم را در ۲۶ دادگاه مختلف مصر برگزار کرد. (موافی، نوامبر ۲۰۱۳: ۱۸) اما موضوع مهم این است که به جز شماری از افسران، اغلب نیروهای پلیس و افسران ارتش توسط دادگاه‌های مصر تبرئه شدند. افسرانی نیز که از دید دادگاه مجرم شناخته شدند، متناسب با جرائمی که انجام دادند مجازات نشده و تنها به چند سال حبس محکوم شدند. در واقع، پس از جنایاتی که در جریان انقلاب ۲۵ ژانویه رخ داد، صحنه دادگاه‌ها نیز شاهد وقوع جنایتی دیگر بود زیرا تردیدی نیست که صدور احکامی سیاسی به جای احکام حقوقی و آمیختن قضاوت با سیاست خود جنایتی بزرگ است.

۳-۳. اصلاح نهادی

یکی دیگر از مکانیسم‌های عدالت انتقالی که در مصر پس از مبارک مورد استفاده قرار گرفت، مکانیسم اصلاح نهادی است. این مکانیسم نیز در مصر پس از مبارک گرفتار نگرش‌های سیاسی دولتمردان و درگیری برای قدرت شد. وزارت کشور مصر در مارس ۲۰۱۱ اعلام کرد که «شاخه اطلاعات امنیت دولتی» را منحل و دپارتمان موسوم به «امنیت سرزمینی مصر» را ایجاد کرده است. (Barsalou, June 2012: 3) با این حال، این تنها یک تغییر در نام بود و به لحاظ کیفی و عملکردی تغییری در بدنه وزارت کشور به عنوان مهم‌ترین وزارتخانه امنیت داخلی ایجاد نشد. در حالی که یکی از خواسته‌های اصلی معترضان مصری انجام اصلاحات در ساختار اداری این کشور به‌ویژه در وزارت کشور و دستگاه قضایی بود، پس از سقوط مبارک از قدرت، هیچ اقدام مؤثری برای

1. State Security Intelligence Branch
2. Egyptian Homeland Security

اصلاح وزارت کشور و دستگاه‌های امنیتی انجام نشد و اعضای دائمی رژیم سابق در پست‌های خود باقی ماندند.

مهم‌ترین بعد اصلاحی در مصر پس از مبارک مربوط به اصلاح قانون اساسی این کشور است. طی ۸۰ سال اخیر هر کسی که در مصر به‌عنوان رئیس‌جمهور قدرت را در اختیار گرفته است یا در قانون اساسی این کشور اصلاحات ایجاد یا اینکه قانون اساسی جدیدی تدوین کرده است. «جمال عبدالناصر» که در سال ۱۹۵۲ با کودتا قدرت را در مصر در اختیار گرفت قانون اساسی سال ۱۹۲۳ را که نظام سیاسی مصر را «سلطنت مشروطه»^۲ در نظر گرفته بود، منع کرد. عبدالناصر برای اولین بار در سال ۱۹۵۳ مصر را به‌عنوان یک «جمهوری»^۳ اعلام و قانون اساسی جدید مصر را تصویب کرد. «انور سادات» که پس از مرگ ناصر به قدرت رسید در سال ۱۹۷۱ قانون اساسی جدید را وضع کرد که این قانون اگرچه تا سال ۲۰۱۲ پابرجا بود اما «حسنی مبارک» طی دوران ۳۰ ساله قدرت خود بارها بر آن اصلاحاتی وضع کرده است. (Feuille, 2011: 239-245) از سال ۲۰۱۱ که مبارک از قدرت در مصر کناره‌گیری کرد نیز در سه بازه زمانی که مصر سه شخص (محمد حسین طنطاوی، محمد مرسی و عدلی منصور) را تا پیش از به قدرت رسیدن «عبدالفتاح السیسی»^۴ در ژوئن ۲۰۱۴ در رأس قدرت داشت، شاهد یک اصلاحیه بر قانون اساسی و دو قانون اساسی جدید بوده است.

۳-۳-۱. اصلاح ۹ ماده قانون اساسی توسط شورای نظامی

شورای نیروهای مسلح مصر بعد از اینکه قدرت را از حسنی مبارک به ارث برد سریعاً در ۱۹ مارس ۲۰۱۱ بر قانون اساسی مصر ۹ اصلاحیه وضع کرد. (Al Jazeera, 20 March 2011) اصلاحات شامل محدود کردن قدرت رئیس‌جمهوری، تسهیل انتخابات آزاد و پایان سرکوب و فشار بود.

1. Gamal Abdel Nasser
2. Constitutional Monarchy
3. Republic
4. Anwar Sadat
5. Abdel Fattah El Sisi

- محدود کردن قدرت رئیس‌جمهوری: یکی از مهم‌ترین موارد اعتراضی توسط مردم مصر این بود که قدرت و اختیارات رئیس‌جمهوری در مصر زیاد است و همین عامل نیز سبب بروز دیکتاتوری در این کشور می‌شود. بر این اساس، شورای نظامی در اصلاحیه سال ۲۰۱۱ برخی از مواد قانون اساسی که افزایش قدرت ریاست‌جمهوری را در پی داشت، اصلاح کرد. مواد ۷۷ و ۱۳۹ از جمله موادی هستند که در سال ۲۰۱۱ برای کاهش قدرت و اختیارات ریاست‌جمهوری اصلاح شدند. ماده ۷۷ قانون اساسی سال ۱۹۷۱ مدت زمان ۶ سال را برای یک دوره ریاست‌جمهوری تعیین کرد و هیچ محدودیتی برای تعداد دوره‌هایی که یک شخص می‌توانست رئیس‌جمهور شود تعیین نکرده بود اما در اصلاحیه ماده ۷۷ در سال ۲۰۱۱ محدودیت دو دوره ۴ ساله برای رئیس‌جمهوری تعیین شد. ماده ۱۳۹ دیگر ماده قانون اساسی سال ۱۹۷۱ بود که در سال ۲۰۱۱ اصلاح شد. ماده ۱۳۹ قانون اساسی سال ۱۹۷۱ به رئیس‌جمهور قدرت انتخاب و عزل معاون رئیس‌جمهوری را داده بود اما این قدرت اختیاری بود و حسنی مبارک تنها چند روز قبل از برکناری از قدرت این ماده را اجرایی کرد. اما اصلاحیه ماده ۱۳۹ در سال ۲۰۱۱ عنوان می‌کند که رئیس‌جمهور ۶۰ روز پس از در اختیار گرفتن قدرت باید معاون خود را منصوب کند. (Feuille, 2011: 246-247)
- تسهیل برگزاری انتخابات آزاد: یکی از مهم‌ترین موارد نقض حقوق بشر در دوران حکومت سه دهه‌ای مبارک مربوط به برگزاری انتخابات است. حکومت مبارک هیچگاه انتخابات آزاد برگزار نکرد بلکه همه انتخاباتی که برگزار شد هدایت شده بود. از این رو، یکی از مهم‌ترین خواسته‌های مردم مصر در جریان انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ فراهم کردن شرایط برای برگزاری انتخابات آزاد بود. بر این اساس، شورای نظامیان مصر نیز در اصلاحات قانون اساسی، مواد ۷۶، ۸۸ و ۹۳ قانون اساسی سال ۱۹۷۱ را اصلاح کرد تا برخی از موانع برگزاری انتخابات آزاد رفع شود.
- در ماده ۷۶ قانون اساسی سال ۱۹۷۱ حمایت ۲۵۰ عضو مجلس نمایندگان برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری ضروری بود. این شرط ضرورتاً تضمین

ریاست جمهوری انور سادات و حسنی مبارک بدون هیچ رقیب انتخاباتی بود. علاوه بر این، در ماده ۷۶ قانون اساسی سال ۱۹۷۱ تشکیل کمیته انتخابات ریاست جمهوری مطرح شد که این کمیته همه مسئولیت انتخابات را بر عهده داشت. اما نکته مهم این است که حامیان مبارک در این کمیته تسلط داشتند. شورای نظامی در سال ۲۰۱۱ با وضع سه شرط، تلاش کرد نامزد شدن برای انتخابات ریاست جمهوری را تسهیل کند. این سه شرط عبارت بودند از: هر نامزد باید حمایت ۳۰ عضو مجلس خلق یا مجلس شورا را به دست آورد، هر نامزد می‌تواند از ۱۵ استان مصر ۳۰ هزار امضا جمع کند که از وی حمایت می‌کنند، هر نامزد می‌تواند عضو حزبی باشد که حداقل یک کرسی در پارلمان دارد. این اصلاحات می‌توانست زمینه مشارکت و رقابت بیشتر در انتخابات ریاست جمهوری را فراهم کند. (Feuille, 2011: 246-247)

ماده ۸۸ قانون اساسی سال ۱۹۷۱ مقررات کلی برای همه انتخابات فراهم کرده بود. این کمیته همچنین مقرر کرده بود که یک کمیته انتخابات متشکل از قضات بر روند انتخابات نظارت خواهند کرد. با وجود این، در رژیم مبارک، کمیته قضایی وظایف خود را به درستی درباره انتخابات و نتایج آن انجام نداد زیرا مجلس خلق که تحت نفوذ رئیس‌جمهور بود قادر بود بر مقررات و روشی که کمیته قضایی باید فعالیت می‌کرد و همچنین بر نتایج انتخابات اعمال نفوذ کند. اصلاحیه ماده ۸۸ در سال ۲۰۱۱ اقتدار بیشتری به دستگاه قضایی و کمیته انتخابات برای نظارت و همچنین به دادگاه توانایی نظارت بر نتایج اعلام شده توسط کمیته انتخابات را داد. ماده ۹۳ قانون اساسی سال ۱۹۷۱ به مجلس خلق صلاحیت تعیین اعتبار عضویت اعضای مجلس را داد. این قانون به حزب دموکراتیک ملی که حزب مسلط مجلس بود، اجازه می‌داد صلاحیت نامزدهای مورد حمایت خود را تعیین کند، در حالی که اعتبار نامزدهای احزاب کوچک، اسلام‌گرایان، مستقل و مخالفان مبارک را باطل می‌کرد. طبق این ماده، اگر دو سوم اعضای مجلس به اعتبارنامه نمایندگان رأی ندهند این نمایندگان اعتبار خود را از دست خواهند داد. اما اصلاحیه ماده ۹۳ در سال ۲۰۱۱ صلاحیت تعیین اعتبار را به شورای نیروهای مسلح داد. البته این موضوع با اعتراض فعالان سیاسی و حامیان انقلاب ۲۵ ژانویه مصر مواجه شد زیرا

آن‌ها بر این باور بودند که این اصلاحیه سبب تقویت جایگاه و نفوذ نظامیان در بدنه قدرت و دخالت بیشتر آن‌ها در سیاست خواهد شد. (Feuille, 2011: 247-248)

- پایان سرکوب و فشار: یکی دیگر از مواردی که در اصلاحیه قانون اساسی سال ۲۰۱۱ مورد توجه شورای نظامیان قرار گرفت، مربوط به موادی است که زمینه سرکوب و فشار بر مردم را فراهم می‌کرد. ماده ۱۴۸ قانون اساسی ۱۹۷۱ مصر از جمله موادی است که زمینه فشار و سرکوب را فراهم می‌کرد. طبق این ماده، رئیس‌جمهوری مصر اختیار داشت «وضعیت اضطراری» اعلام کند. مطابق ماده ۱۴۸، تمدید وضعیت اضطراری با رأی اکثریت مجلس خلق امکان‌پذیر بود. مجلس خلق نیز طی ۳۰ سال گذشته همواره به تمدید وضعیت اضطراری رأی داد. درعین حال، این ماده به رئیس‌جمهور اجازه می‌داد افراد را بدون دلیل بازداشت کند. در اصلاحیه ماده ۱۴۸ در سال ۲۰۱۱، صلاحیت مجلس خلق برای وضعیت اضطراری حذف شد. درعین حال، اصلاحیه ماده ۱۴۸ اعلام وضعیت اضطراری را به تصویب آن در همه‌پرسی مردمی مشروط کرد. این انتقال صلاحیت از مجلس خلق به مردم مصر، تضمین می‌کند که وضعیت اضطراری تنها در یک شرایط واقعی اعلام خواهد شد و رئیس‌جمهوری دیگر توانایی بازداشت شهروندان را ندارد. (Feuille, 2011: 248)

۳-۳-۲. قانون اساسی سال ۲۰۱۲ در دولت محمد مرسی

یکی از مهم‌ترین اقدام‌هایی که محمد مرسی در دوران یک ساله قدرت خود انجام داد، تشکیل کمیته‌ای یکصد نفره برای تدوین قانون اساسی جدید مصر بود. این اقدام در همه مراحل با اعتراض مخالفان اخوان المسلمین مواجه و در نهایت نیز زمینه اجماع مخالفان علیه محمد مرسی را فراهم کرد. در واقع، تلاش مرسی برای تصویب قانون اساسی جدید در نهایت منجر به برکناری وی از قدرت شد. ۶۰ نفر از اعضای این کمیته وابسته به دو حزب اسلامگرای «عدالت و آزادی» وابسته به اخوان المسلمین و حزب

1. State of Emergency
2. Freedom and Justice Party

سلفی «النور» بودند. این ترکیب با اعتراض احزاب سکولار و دیگر احزاب مصری مواجه شد. بر این اساس، چندین حزب سکولار در مصر اعلام کردند کمیته موازی‌ای برای تدوین قانون اساسی جدید تشکیل خواهند داد زیرا ترکیب این کمیته سبب خواهد شد، قانون اساسی که توسط این کمیته تصویب شود منافع همه مصری‌ها از جمله اقلیت این کشور را در نظر نگیرد. (Gallala Arndt, 2012: 144) این قانون اساسی که روز ۲۶ دسامبر توسط محمد مرسی منتشر شد، ساختار اصلی آن شبیه قانون اساسی سال ۱۹۷۱ بود. این قانون اساسی با مشکلات مهمی مواجه بود که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (Al Ali, 2014: 1-11)

- هیچ مکانیسمی برای اجرایی کردن و حمایت از حقوق اقتصادی-اجتماعی مردم در نظر نگرفت.
- بخش قضایی همچنان بدون تغییر باقی ماند.
- حقوق سیاسی نظیر آزادی بیان و تجمعات چندان مورد توجه قرار نگرفتند و اگرچه اصل بر آزادی بیان قرار داده شد اما محدودیت نیز بر آزادی بیان وضع گردید.
- قدرت رئیس‌جمهوری مانند قانون اساسی سال ۱۹۷۱ زیاد بود. رئیس‌جمهور وظیفه داشت نامزد خود برای تصدی پست نخست‌وزیری را معرفی کند و اگر این نامزد نتواند از پارلمان رأی اعتماد بگیرد، رئیس‌جمهور می‌تواند نامزد بزرگ‌ترین حزب مجلس را به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی کند، و اگر باز هم این شخص نتوانست از پارلمان رأی اعتماد بگیرد در این صورت پارلمان منحل خواهد شد. لذا پارلمان برای رأی دادن به نخست‌وزیر پیشنهادی تحت فشار قرار می‌گرفت. مثال دیگر این است که رئیس‌جمهوری قدرت انتصاب ۵ درصد اعضای پارلمان را برای خود حفظ کرده است که این موضوع سبب می‌شود مانند دوران مبارک، رئیس‌جمهور از نفوذ زیادی بر اعضای پارلمان برخوردار باشد. درعین حال، این حق ۵ درصدی به منزله نقض اصل تفکیک قوا و دخالت رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس قوه مجریه در

- امور قوه مقننه بود. همچنین در این قانون اساسی به رئیس‌جمهور حق اعلام وضعیت اضطراری حتی بدون تصویب کابینه داده شد.
- در قانون اساسی سال ۲۰۱۲ نیز محاکمه غیرنظامیان در دادگاه‌های نظامی در ماده ۱۹۷ به رسمیت شناخته شد.

۳-۳-۳. قانون اساسی سال ۲۰۱۴ در دولت موقت عدلی منصور

پس از اینکه نظامیان علیه محمد مرسی کودتا کرده و دولت موقت تشکیل دادند، یکی از اولین اقدام‌های دولت موقت تشکیل کمیته‌ای برای تدوین قانون اساسی جدید بود. قانون اساسی جدید مصر در ژانویه ۲۰۱۴ به همه‌پرسی گذاشته شد و مورد تصویب مردم قرار گرفت. (1: Kingsley, 18 January 2014) اساس این قانون اساسی نیز بر قانون اساسی سال ۱۹۷۱ قرار گرفت و تنها برخی از موارد تعدیل شدند. این قانون اساسی نیز با انتقاد فعالان سیاسی و جامعه مدنی مصر مواجه شد که از جمله این انتقادات عبارت‌اند از: (Abd Rabou, 24 March 2014: 3-7)

- در قانون اساسی سال ۲۰۱۴ نیز نظامیان همچنان وفادار به رئیس‌جمهور باقی ماندند زیرا رئیس‌جمهور هم حق دارد وزیر دفاع را با موافقت شورای نیروهای مسلح تعیین کند و هم اینکه به عنوان رئیس شورای ملی دفاع در تصمیم‌گیری برای بودجه نظامیان نقش مهمی ایفا می‌کند.
- در ماده ۲۰۴ قانون اساسی سال ۲۰۱۴ محاکمه غیرنظامیان در دادگاه‌های نظامی مورد تأیید قرار گرفت.
- این قانون اساسی به نظامیان مصری قدرت و اختیار زیادی داده است که از جمله می‌توان به شرط موافقت شورای عالی نیروهای مسلح برای تعیین وزیر دفاع و ارائه بودجه ارتش به‌عنوان یک رقم واحد و کلی به پارلمان اشاره کرد که پارلمان اختیار بررسی جزئیات بودجه ارتش را ندارد.
- ماده ۵۴ قانون اساسی سال ۲۰۱۴ بازداشت بدون محاکمه افراد را مجاز شمرده است. این در حالی است که یکی از مهم‌ترین موارد اعتراضی مردم مصر طی سه دهه حکومت مبارک و پس از برکناری وی از قدرت مربوط به این بود که افراد

- نباید بدون محاکمه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شوند. این قانون درعین حال، از حقوق و آزادی‌های مدنی در مقابله با پلیس دفاع نمی‌کند.
- این قانون به قوه قضائیه قدرت زیادی داده است بدون اینکه ضمانتی برای استفاده خوب از این قدرت ایجاد کند.
 - یکی دیگر از مهم‌ترین مواد اعتراضی در قانون اساسی سال ۲۰۱۴ مصر مربوط به ماده ۷۴ آن است که تشکیل هرگونه حزب و فعالیت سیاسی بر اساس دین را ممنوع کرده است. این ماده با هدف مقابله با اخوان المسلمین در مصر تصویب شده است.

به طور خلاصه باید گفت؛ آنچه سبب شد اصلاحات قانون اساسی یا تدوین قانون اساسی جدید به‌عنوان یک اصلاح نهادی جدی مورد توجه قرار نگیرد، این است که این اقدام با هدف حرکت به سمت ایجاد نظامی دموکراتیک انجام نگرفت بلکه هدف اصلی کنترل اعتراض‌های مردمی و ممانعت از برهم خوردن بنیادی ساختار نظام سیاسی سابق بوده است. از این رو، در قانون اساسی جدید همچنان مقوله‌هایی نظیر بازداشت بدون محاکمه افراد، محاکمه غیرنظامیان در دادگاه‌های نظامی، اختیارات زیاد رئیس‌جمهوری، قدرت زیاد نظامیان، اختیارات زیاد قوه قضائیه دیده می‌شود. وجود این محورها در قانون اساسی جدید مصر بیانگر این است که قانون اساسی مصر در برخی محورهای کمی نظیر دوره‌هایی که یک شخص می‌تواند رئیس‌جمهور شود، و در برخی محورهای شکلی نظیر چگونگی معرفی وزیر دفاع تغییراتی داشته است اما به لحاظ کیفی تغییر چندانی در قانون اساسی در جهت تشکیل نظام دموکراتیک، کاهش سرکوب و فشار بر مردم، افزایش آزادی‌های عمومی و مدنی رخ نداده است.

۳-۴. پاکسازی سیاسی یا تطهیر

یکی دیگر از مهم‌ترین مکانیسم‌های عدالت انتقالی که در مصر پس از مبارک به دلیل فشار افکار عمومی مورد توجه قرار گرفت، مکانیسم «پاکسازی سیاسی یا تطهیر» است

که در قالب طرح «انزوای سیاسی» مطرح شد اما موضوع مهم این است که این طرح به دلیل دخالت دستگاه قضایی مصر از مرحله نظریه پردازی فراتر نرفت. پارلمان تازه تأسیس مصر در آوریل ۲۰۱۲، قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن «هرکسی که عضو حزب دولتی، کمیته سیاست‌ها یا دفتر سیاسی، یا عضو مجلس نمایندگان یا مجلس شورا در طول دو دوره مجلس قبل از انقلاب ۲۵ ژانویه بوده باشد، حق شرکت در انتخابات برای مدت ۱۰ سال را نخواهد داشت.» این قانون نامزد شدن عمر سلیمان^۱ و احمد شفیق در انتخابات ریاست جمهوری را هدف قرار داده بود. اما دادگاه قانون اساسی این قانون را غیرقانونی اعلام کرد و به احمد شفیق اجازه نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری را داد. حکم دادگاه عالی مصر سبب شد «احمد شفیق»، آخرین نخست‌وزیر دوره مبارک، بتواند تا مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری این کشور پیش رود و رقیب «محمد مرسی»، نامزد حزب آزادی و عدالت (شاخه سیاسی اخوان المسلمین)، شود که البته انتخابات مذکور با پیروزی مرسی به پایان رسید. (موافی، نوامبر ۲۰۱۳: ۱۲)

۳-۵. غرامت

یکی دیگر از مکانیسم‌های عدالت انتقالی، پرداختن غرامت به قربانیان است. در مصر نیز گروه‌های قربانی پس از برکناری مبارک از قدرت تقاضای غرامت کردند. «شورای ملی مراقبت از خانواده‌های شهدا و آسیب‌دیدگان انقلاب» تشکیل شد اما عملکرد این شورا به گونه‌ای بود که موجب نارضایتی قربانیان و آسیب‌دیدگان شد و آن‌ها خواستار تعطیلی این شورا شدند. شورای عالی نیروهای مسلح مصر نیز اعلام کرد که مراقبت بهداشتی رایگان برای قربانیان فراهم و آسیب‌دیدگان و همه پرسنل نیروهای مسلح در شغل‌های حکومتی مشغول خواهند شد و مدال شهادت خواهند گرفت اما این موضوع هیچگاه اجرایی نشد. (Barsalou, June 2012: 2) شاید یکی از دلایل اصلی اجرایی نشدن پرداخت غرامت این بود که در مصر «قربانیان» هیچگاه به عنوان «قربانی» به رسمیت

1. Omar Suleiman
2. The National Council of Care for the Revolution Martyrs' Families and Wounded
3. Victims

شناخته نشده و درعین حال اقدام جدی نیز برای جلوگیری از مصونیت و معافیت از مجازات انجام نگرفت. (Abdel Tawab, 2013: 107)

۴. چرایی ناکامی و ناکارآمدی عدالت انتقالی در مصر پسا مبارک

واقعیت این است که عدالت انتقالی در مصر به شکل واقعی جاری نشد. اگر چه برخی از مکانیسم‌های عدالت انتقالی به کار گرفته شد اما این مکانیسم‌ها هیچگاه با رویکرد حقوقی مورد توجه قرار نگرفت و صرفاً در راستای اهداف سیاسی حاکمان جدید و با هدف فریب افکار عمومی مصر و تعدیل کردن فضای ضد حکومتی مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. درباره علل غالب شدن رویکرد سیاسی بر رویکرد حقوقی در اجرای عدالت انتقالی که در نهایت نیز منجر به ناکارآمدی عدالت انتقالی در مصر شد، دلایل زیادی می‌توان مطرح کرد که برخی از این دلایل عبارت‌اند از:

۴-۱. تداوم حضور نظامیان در بدنه قدرت

نظامیان همواره یکی از اضلاع قدرت در مصر را تشکیل داده و از جایگاه مهمی نیز در این کشور برخوردار بودند. جمال عبدالناصر، انور سادات و حسنی مبارک که از ۱۹۵۲ تا ۲۰۱۱ به ترتیب قدرت را در اختیار داشتند، همگی از افسران ارتش مصر بودند. حضور نظامیان در رأس قدرت مصر و به‌ویژه انتخاب شدن آن‌ها به‌عنوان رئیس‌جمهور طی مدت بیش از ۶۰ سال سبب شد این گروه از قدرت سیاسی و اقتصادی زیادی در مصر برخوردار بوده و با زوایای مختلف سیاست و حکومت در این کشور آشنا باشند. ارتش مصر با ۴۵۰ هزار پرسنل فعال، بزرگ‌ترین ارتش در قاره آفریقا و در جهان عرب است. (Kholiaif, 5 August 2013: 3) ارتش مصر که حدود ۴۰ درصد اقتصاد این کشور را در اختیار دارد، یک «امپراطوری اقتصادی» در این کشور محسوب می‌شود، (Digital Granma International, 3 June 2014) ارتش مصر مالک بیش از ۳۵ کارخانه و شرکت در این کشور است که انواع محصولات اعم از مواد غذایی، کالاهای ساختمانی، اتومبیل، دارو و مصنوعات دیگر را تولید می‌کند. (Tadros, 15 February 2012) «ویکی لیکس»

1. Economy Empire



در سال ۲۰۰۸ اسنادی را منتشر کرد که نشان می‌داد درآمد ارتش مصر از بخش خصوصی سالیانه ۲ میلیارد پوند مصر معادل ۲۸۶ میلیون دلار آمریکا است و ۴۰ هزار نفر نیز در استخدام شرکت‌های خصوصی ارتش هستند. (Kholiaif, 5 August 2013: 5)

این امتیازهای اقتصادی نظامیان در مصر از یک سو سبب می‌شود این گروه نقش مهمی در جامعه مصری داشته باشند و از سوی دیگر موجب می‌شود آن‌ها به سادگی از قدرت در مصر کنار نروند و مانع هرگونه اصلاحات در این کشور باشند.

با سقوط حسنی مبارک از قدرت در فوریه ۲۰۱۱، شورای نظامیان مصری به ریاست «محمد حسین طنطاوی» به‌طور موقت قدرت را در اختیار گرفته و موظف شدند زمینه برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در مصر را فراهم کنند. با این حال، نظامیان مصری که می‌دانستند در نظام جدید این کشور که رئیس‌جمهور باید از طریق انتخابات آزاد برگزیده شود، جایگاه گذشته را نخواهند داشت، تلاش کردند مانع تکمیل آرمان‌های انقلاب ۲۵ ژانویه شوند. نظامیان مصر ضمن اینکه نقشه راه پیش‌روی انقلاب این کشور را رد کرده، بار دیگر از ابزارهای سرکوب، شکنجه و ارباب برای متوقف کردن اعتراض‌های ضد حکومتی استفاده کردند و حتی خشونت نیروهای نظامی علیه معترضان افزایش داشته است. دخالت نظامیان سبب شد نه تنها هیچ پیشرفتی در آوردن نظامیان به دادگاه و پاسخگویی آن‌ها در مقابل خشونت رخ نداد بلکه روند معکوس شد و میزان خشونت که نظامیان پس از مبارک علیه معترضان اعمال کردند حتی بیشتر از میزان خشونت در جریان ۱۸ روز انقلاب ۲۵ ژانویه بود. یک قاضی غیرنظامی در نیمه اکتبر ۲۰۱۲ از طرف خانواده‌های قربانیان برای بررسی شکایت علیه ژنرال محمد حسین طنطاوی، فرمانده سابق شورای نظامیان، به ویژه نقش وی در حادثه معروف کشتار «ماسپرو» میان مسیحیان و نیروهای امنیتی مصر معرفی شد که این گامی رو به جلو بود زیرا برای اولین بار در تاریخ مصر جنایات یک رهبر نظامی به وسیله یک قاضی غیرنظامی بررسی می‌شد اما این رسیدگی هرگز در مصر انجام نشد. (Abdel

1. Maspero

۲. برای اطلاعات بیشتر راجع به حادثه ماسپرو و همچنین وضعیت مسیحیان در مصر ر.ک. به: براونلی جاسون، (۲۰۱۳)، العنف ضد الاقباط و المرحلة الانتقالية في مصر، مرکز کارنیگی للشرق الأوسط.

(Tawab, 2013: 105) به قدرت رسیدن عبدالفتاح السیسی در مصر نیز سبب شد تا نظامیان مصری در مقابل جنایاتی که انجام دادند از مصونیت دوفاکتو برخوردار شوند. محاکمه حسنی مبابک به یک نمایش سیاسی تبدیل شد، بی‌طرفی در کمیسیون تحقیق رعایت نشد و وزارت عدالت انتقالی نیز عملاً حذف شد. (Turner, 2016: 3) در همین حال، به قدرت رسیدن السیسی سبب شد طرح پنج مرحله‌ای ده ساله‌ای که برای اصلاح بخش امنیتی و نظامی مصر در اوایل سال ۲۰۱۳ ارائه شده بود، عملاً کنار گذاشته شود. (Ashoor, 2017: 24) از این رو، باید گفت دخالت نظامیان در پروسه سیاسی مصر یکی از مهم‌ترین موانع در اجرای عدالت انتقالی در این کشور است.

۴-۲. انجام نشدن اصلاحات در دستگاه قضایی

استقلال قضایی و حاکمیت قانون امروزه کانون توجه مجامع جهانی است. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که استقلال قضایی در سه حوزه حکومت نقشی حیاتی ایفا می‌کند: ۱- حفاظت از حقوق بشر ارتباط مستقیمی با «نظام قضایی مستقل، منصف و قاطع» دارد. ۲- استقلال قضایی ثبات و عدالت سیاسی را تسهیل می‌کند. ۳- استقلال قضایی برای توسعه اقتصاد صحیح و سالم مفید است. (Sheriff and Brown, 2002: 1) مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳ برخی از مهم‌ترین اصول استقلال سیستم قضایی را شامل موارد زیر اعلام کرد: استقلال از نفوذ و دخالت قوه مجریه، بی‌طرفی، انتصاب بر اساس شایسته‌سالاری، امنیت و مصونیت در دوره تصدی مسئولیت، انضباط در مقررات مربوط به اداره کردن و برکناری قضات (قدرت اداره و برکناری قضات باید به نهادی سپرده شود که مستقل از دستگاه اجرایی است). (UN General Assembly, 2012: Para16) آنچه در نظام قضایی مصر به ویژه در دوران رژیم مبارک مشاهده شد، کمترین تناسبی با مؤلفه‌های تعیین شده توسط مجمع عمومی

1. Robust, Fair, and Independent Judiciary
2. Independence from interference by executive
3. Impartiality
4. Appointments based on merit
5. Immunity and security of tenure
6. Disciplining and removal

سازمان ملل نداشته است. قوه مجریه در مصر زمان مبارک نفوذ زیادی در نظام قضایی داشته است. باتوجه به اینکه اکثر انتصابات در اختیار رئیس‌جمهور و وزیر دادگستری بود، بی‌طرفی قضات نیز عملاً زیر سؤال رفته بود. قوه مجریه و شخص رئیس‌جمهور در اغلب عزل و نصب‌های نظام قضایی مصر نقش مستقیم داشته است. به طور کلی می‌توان دخالت قوه مجریه در نظام قضایی مصر زمان مبارک را به دو شکل ملموس و غیرملموس بیان کرد که در شکل زیر آمده است:



۴-۲-۱. روش‌های دخالت ملموس قوه مجریه در نظام قضایی مصر
 قوه مجریه مصر طبق قانون اساسی این کشور در برخی از عزل و نصب‌های نظام قضایی دخالت ملموس داشته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: (الشازلی، کریم و الشازلی، فتوح، ۲۰۱۰: ۷۳-۶۹)

الف: نقش قوه مجریه در تشکیل شورای عالی قضایی

شورای عالی قضایی متشکل از رئیس دیوان عالی، رئیس دادگاه استیناف قاهره، دادستان کل، دو تن از باسابقه‌ترین معاونان رئیس دیوان عالی، و دو تن از باسابقه‌ترین روسای دادگاه‌های استیناف دیگر است که اکثر اعضای آن از جمله دادستان کل از جانب قوه

مجریه مستقیماً انتخاب می‌شوند. اعضای دیگر شورا نیز بر حسب سوابقشان به مناصب دست می‌یابند که اکثر این مناصب نیز به وسیله قوه مجریه تعیین می‌شوند.^۱

ب: تعیین رئیس دادگاه عالی قانون اساسی

دادگاه قانون اساسی مصر یکی از ارکان اصلی نظام قضایی این کشور محسوب می‌شود اما بر طبق قانون اساسی، رئیس این دادگاه از جانب رئیس‌جمهور تعیین می‌شود. رئیس‌جمهور بعد از اخذ رأی شورای هیأت‌های قضایی، از بین دو نفر که یکی از جانب مجمع عمومی دیوان و دیگری از جانب رئیس دیوان کاندید شده است، یکی را انتخاب می‌کند. اما نکته قابل توجه این است که اگرچه در نهایت این رئیس‌جمهور است که یکی از این دو نفر را انتخاب می‌کند اما خود این نفرات نیز کسانی هستند که قبلاً به نحوی توسط رئیس‌جمهور در برخی مناصب خود مشغول بوده‌اند. چرا که معمولاً کاندیدای مجمع عمومی دادگاه یا رئیس دادگاه برای به دست آوردن این منصب رفیع باید بیشترین سال‌های کاری خود را در دادستانی کل - که از جانب رئیس‌جمهور منصوب می‌شود - گذرانده باشند یا اینکه باید چندین سال در دادگاه‌های استثنایی جرائم خاص یعنی دادگاه‌هایی که چندان هم مستقل نیستند، مشغول به کار باشند. چنین فردی در کنار سایر مسئولیت‌های قضایی خود، مطابق آخرین اصلاحات ماده ۷۶ قانون، ریاست کمیته انتخاباتی ریاست جمهوری را که مسئول برگزاری این انتخابات است و شکایات مربوط به آن را بررسی می‌کند، نیز به عهده دارد و پر واضح است که چنین فردی نمی‌توانست بی طرف باشد.

پ: تعیین رئیس دیوان عالی کشور

دیوان عالی کشور یکی دیگر از ارکان نظام قضایی مصر است که یکسان‌سازی قانون در تمامی دادگاه‌های کشور را بر عهده دارد. از آنجایی که رئیس‌جمهور، رئیس دیوان عالی را از بین معاونان و بعد از موافقت مجمع عالی قضایی انتخاب می‌کند، این دیوان همواره یکی از منافذ ورود و دخالت حکومت در قوه قضاییه محسوب می‌شده است.

۱. در بیانیه ۱۶ ژوئن ۲۰۰۶ باشگاه قضات، عدم وجود اعضای منتخب در شورا به شدت مورد انتقاد قرار گرفته بود و بیان شده بود که این امر باعث می‌شود که این شورا دائماً تصمیمات قوه مجریه را تأیید کند.

ث: تعیین دادستان کل

بند اول ماده ۱۱۹ قانون قوه قضائیه بر این نکته تأکید دارد که دادستان با تصمیم رئیس‌جمهور از بین معاونان رؤسای دادگاه‌های استیناف یا مشاوران دیوان عالی انتخاب می‌شود. البته طبق بند سوم ماده ۱۱۹ این قانون، رئیس‌جمهور باید موافقت شورای عالی قضایی را برای تعیین بقیه اعضای دادستانی کل کسب کند.

ج: دخالت در نظام قضایی از طریق وزیر دادگستری

علاوه بر دخالت مستقیم رئیس‌جمهور، وزیر دادگستری نیز از این اختیار برخوردار بود تا قضات مناطق مختلف جغرافیایی مصر را تعیین کند. همچنین وزیر دادگستری اختیار انتصاب قضات برای دادگاه‌های خاص و ویژه را داشت و این انتصابات نیز بیشتر نه بر ضابطه بلکه مبتنی بر رابطه بود و شایسته‌سالاری در آن رعایت نمی‌شد. وزیر دادگستری توانایی تغییر قضات و انتقال آنان به پست‌های غیر قضایی را داشت. بر طبق ماده ۹ قانون قوه قضائیه وزیر دادگستری برای ریاست دادگاه بدوی یک قاضی از بین قاضیان دادگاه‌های استیناف را بعد از موافقت شورای عالی قضایی انتخاب می‌کند.

۴-۲-۲. دخالت‌های غیر ملموس قوه مجریه در نظام قضایی مصر

علاوه بر عوامل فوق، قوه مجریه مصر به خصوص شخص رئیس‌جمهور دارای ابزارهای متعدد غیرملموس دیگری نیز بود که به وسیله آن می‌توانست بر قضات تأثیر بگذارد و از این قدرت و اختیارات خود برای محدود کردن استقلال نظام قضایی استفاده کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از:

الف: تشویق و ترغیب

برای ترغیب قضات به اعمال و تبعیت از درخواست‌های قوه مجریه چند روش اعمال می‌شد که از جمله آن‌ها می‌توان به مأموریت (فرستادن قضات به بخش‌های تابع دولت مصر)، پرداخت رشوه و اهدای مناصب عمومی عالی به قضات تابع اشاره کرد. به عنوان مثال در سال‌های اخیر حکومت مبارک چندین قاضی با تصمیم رئیس‌جمهور به‌عنوان استاندار یا وزیر منصوب شدند. (الشازلی، کریم و الشازلی، فتوح، ۲۰۱۰: ۷۸)

ب: ارباب و تهدید

در این روش قوه مجریه از شیوه‌هایی استفاده می‌کرد تا به صورت غیرمستقیم بر قضات فشار آورد، مانند فرستادن قضات مستقل به مناطق دور و بد آب و هوا، تفتیش، محاکمه و بازرسی قضات مستقل در دادگاه‌های امنیتی. براساس اختیارات قابل ملاحظه واگذار شده، رؤسای جمهور مصر می‌توانستند به راحتی مسائل و موارد شخصی را به دادگاه‌های امنیتی یا دادگاه‌های خاص ارجاع دهند. قوانین مربوط به وضعیت فوق‌العاده، به این دادگاه‌ها اختیارات گسترده‌ای داده بودند. این دادگاه‌ها جرائم بسیاری را تحت پوشش قرار می‌دادند که حوزه این جرائم عمدتاً توسط رئیس‌جمهور مشخص و قضات آن نیز مستقیماً توسط رئیس‌جمهور مصر انتخاب می‌شدند. (IBAHRI, February 2014: 43-44)

در چارچوب چنین منفذهای قانونی، استقلال قوه قضاییه مصر تنها ابزاری برای پیشبرد دستورات، سیاست‌ها و اهداف شخص رئیس‌جمهور و قوه مجریه بود و نظام قضایی در طی ۳۰ سال حکومت حسنی مبارک کاملاً در اختیار او قرار داشت و افرادی که در این ساختار مشغول به کار بودند همگی از نیروهای مطیع او بودند؛ به طوری که حتی پس از انقلاب مردم مصر همچنان از حسنی مبارک حمایت می‌کردند.

در چنین شرایطی؛ اجرای عدالت انتقالی به ویژه برگزاری دادگاه‌های محاکمه مبارک، پسران وی، مقامات رژیم مبارک و همچنین صدها افسر پلیس به نظام قضایی مصر بدون هیچ‌گونه اصلاحی سپرده شد. این در حالی است که شرط مهم برای تحقق عدالت انتقالی در جوامع انتقالی این است که رژیم‌های جدید بتوانند نظام قضایی را از کنترل مستقیم سیستم و فشار سیاسی خارج و به نوعی نظام قضایی را اصلاح کنند. در روند اصلاح نظام قضایی نیز باید هم «ساختار» و هم «کارگزار» مورد بررسی قرار گیرند. در مصر زمان مبارک هم ساختار و هم کارگزار قضایی دارای مشکلات زیادی بودند. ساختار قضایی به گونه‌ای بود که به قوه مجریه وابستگی داشت و پارلمان مصر نیز توانایی نظارت بر دستگاه قضا را نداشته است. کارگزاران قضایی به ویژه قضات نیز از

۱. برای مثال در ماده ۱۷۳ قانون اساسی مصر آمده است که «یک شورای عالی که به وسیله رئیس‌جمهور تعیین می‌شود به امور سازمان‌های قضائی نظارت خواهد داشت. قانون بایستی شکل‌گیری، صلاحیت‌ها و مقررات آن را تعیین نماید. شورای عالی درخصوص پیش‌نویس قوانینی که ناظر بر امور سازمان‌های قضائی است مشورت می‌کند.»



یک سو وابستگی زیادی به قوه مجریه و شخص رئیس‌جمهور داشته‌اند و از سوی دیگر بر اساس معیارهای شایسته‌سالاری انتخاب نشده بودند. (الشازلی، کریم و الشازلی، فتوح، ۲۰۱۰: ۷۳-۶۹) روزنامه الشروق در ۷ دسامبر ۲۰۱۳ نوشت: «یک چهارم قضات منصوب شده در دستگاه قضایی مصر را پسران قضات تشکیل می‌دهند و اگر روابط خویشاوندی، شمار نوه‌های قضات و روابط مبتنی بر ازدواج هم محاسبه شود این آمار خیلی بیشتر خواهد شد.» (El Chazli, 25 March 2014: 9)

۴-۳. انجام نشدن اصلاحات در وزارت کشور

یکی دیگر از دلایل اجرای ناقص عدالت انتقالی در مصر این است که پس از برکناری مبارک از قدرت به ویژه پس از به قدرت رسیدن اخوان المسلمین هیچ تلاشی برای اصلاح نظام اداری و ساختار وزارت کشور مصر به خصوص در بخش امنیتی انجام نشد. (Morsy, 26 July 2013) نبود تلاش جدی برای انجام اصلاحات در وزارت کشور سبب شد در میان کارکنان این وزارتخانه این احساس به وجود آید که آن‌ها مصونیت دارند. این در حالی است که شکنجه و مرگ فعالان حقوق بشر در دوران مبارک زیاد بود و در روزهای انقلاب ۲۵ ژانویه نیز خشونت و رفتار سرکوب‌گرایانه پلیس شدت بیشتری داشته است. محمد مرسی و اخوان المسلمین به جای اینکه اصلاح نظام و ساختار اداری در وزارت کشور را در دستور کار خود قرار دهند، تغییر افراد و گماشتن افراد وفادار به خود به ویژه در استانداری‌ها را در اولویت کار خود قرار دادند. همین عامل سبب شد مخالفان اخوان، دولت اخوانی را به دیکتاتوری حزبی متهم کرده و عنوان کنند که تنها اتفاق مهمی که در مصر جدید رخ داد این است که حزب دموکراتیک ملی جای خود را به جمعیت اخوان المسلمین داده است. این در حالی است که یکی از مهم‌ترین تقاضاهای مردم در انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ بازسازی وزارت کشور و پاسخگو کردن آن در مقابل اعمال گذشته بود. انقلابیون خواستار تفهیم این مطلب به نیروهای امنیتی بودند که مفهوم امنیت در عصر جدید تغییر کرده است و امنیت شهروندان بیش از امنیت رژیم باید مورد توجه قرار گیرد. (Abd Rabou, 24 March 2014: 6) در واقع، محمد مرسی نیز با تغییر کارگزار به جای ساختار تلاش کرد کارگزاران وفادار به

اخوان المسلمین را با هدف افزایش قدرت و نفوذ اخوان المسلمین حتی در لایه‌های زیرین جامعه مصری در مناصب مهم حکومتی منصوب کند و این همان اشتباهی است که مبارک نیز در طول سه دهه قدرت خود مرتکب شد و با اصول دموکراتیک نیز مغایرت آشکاری دارد.

دستاورد

در مصر پس از مبارک و تا پیش از روی کار آمدن عبدالفتاح السیسی در ژوئن ۲۰۱۴، سه دولت روی کار آمدند که هر یک از این دولت‌ها بر اجرای عدالت انتقالی درباره ناقضان حقوق بشر تأکید کردند اما برتری یافتن منافع سیاسی بر رویکرد حقوقی در این دولت‌ها سبب شد عدالت انتقالی در مصر به شکل ناقص و معیوبی اجرا و به «عدالت هدایت شده» تبدیل شود. طی سه سال در مصر چهار کمیسیون حقیقت‌یاب تشکیل شد، دادگاه مقامات رژیم گذشته به شکل هدایت شده و با رویکرد فرسایشی برگزار شد، اصلاح نهادی تنها به اصلاح و تدوین دو قانون اساسی جدید محدود شد که در هیچ یک از موارد منجر به تضعیف نقش نظامیان، تقویت نقش مردم و کاهش فضای امنیتی در جامعه مصر نشد، قانون پاکسازی سیاسی تصویب شد اما هیچگاه به مرحله اجرا در نیامد، غرامت به قربانیان نیز مطرح شد اما هیچگاه قربانیان به عنوان قربانی به رسمیت شناخته نشدند تا غرامتی شامل حال آن‌ها یا خانواده‌هایشان شود. در نهایت نیز صدور حکم تبرئه مبارک، پسران وی و حبیب العادلی و معاونانش در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۴ فرآیند واگرد عدالت انتقالی به عدالت هدایت شده در مصر را اثبات کرد.

منابع

منابع فارسی

ذاکریان مهدی (۱۳۹۲)، همه حقوق بشر برای همه، تهران: انتشارات میزان، ۱۵۹ ص.
قریشی، سید نجم‌الدین؛ کدخدایی، عباسعلی؛ بابایی، مجتبی و سوهانیان؛ فاطمه (۱۳۹۷)، «درآمدی بر مفهوم عدالت انتقالی در حوزه حقوق بین‌الملل و نقش کرامت انسانی و

اخلاقی در توسعه آن»، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، سال هشتم، شماره چهارم،
صص ۱۵۰-۱۳۱.

منابع عربی

الشاذلی، کریم و الشاذلی، فتوح (۲۰۱۰)، استقلال النظام القضایی المصری: الواقع و
المامل، الشبكة الاوروبیة- المتوسطیة لحقوق الانسان. 116 ص.
براونلی، جاییسون (۲۰۱۳)، العنف ضد الاقباط و المرحله الانتقاليه فی المصر، مرکز
کـارنیگی للشـرق الاوسـطی. ط. ۴۰ ص،
<http://carnegieendowment.org/sada/?fa=53607&lang=ar>
موافی تأمر، نوفمبر (۲۰۱۳)، الافلات من العقاب: عن العدالة الانتقاليه الغائبه فی مصر و
تونس و ليبيا و یمن: الشبكة العربیة لمعلومات حقوق الانسان، ۳۰-۱.

منابع انگلیسی

Abd Rabou Ahmed, 24 March 2014, Civilian-military Relations and the
Position of Security Institutions in the 2014 Constitution, Daily News
Egypt, 1-32, <http://www.dailynewsegypt.com/2014/03/24/2014-egyptian-constitution-without-accountability-checks-balances/>
Abdel Tawab Ziad, 2013, The Crisis of Transitional Justice Following the
Arab Spring: Egypt as a Model, 95-114,
<http://www.cihrs.org/wp-content/uploads/2013/09/Transitional-Justice.pdf>
Al Ali Zaid, 2014, Egypt's third Constitution in Three years: A critical
analysis, <http://www.idea.int/wana/egypts-third-constitution-in-three-years-a-critical-analysis.cfm>
Al Asar Marwan, 24 September 2014, Court to decide Mubarak's fate on
Saturday, <http://www.dailynewsegypt.com/2014/09/24/court-decide-mubaraks-fate-saturday/>
Al Jazeera, 20 March 2011, Egypt Approves Constitutional Changes,
<http://www.aljazeera.com/news/middleeast/2011/03/2011320164119973176.html>
Al Jazeera, 29 November 2014, Egypt Court dismisses charges against
Mubarak, <http://www.aljazeera.com/story/2014112944228138111>
Ashoor Omar, 2017, Security Sector Reform and Transitional Justice After the
Arab-Majority Uprisings: The Case of Egypt, 1-36; in; Transitional Justice
in the Middle East and North Africa, Working Group Summary Report,
<https://repository.library.georgetown.edu/bitstream/handle/10822/1043055/CIRSSummaryReport16TransitionalJusticeInMENA2017.pdf?sequence=1>
Barsalou Judy, June 2012, Transitional Justice in Egypt: one Step Forward,
two Steps Back, Norwegian Peace Building Resource Centre,
<https://www.files.ethz.ch/isn/145030/fca860d3d7c23f44b3b865ce0dd98bf5.pdf>

۲۰۴



یاست جهانی

- Digital Granma International, 3 June 2014, Challenges for the next President of Egypt, <http://www.granma.cu/idiomas/ingles/international-i/3jun-Challenges%20for.html>
- El Chazli Karim, 2014, the Judiciary in the Constitution: lost opportunities for reform and enshrinement of the Judiciary's impenetrability, Daily News Egypt, <http://www.dailynewsegypt.com/2014/03/25/2014-egyptian-constitution-without-accountability-checks-balances-part-ii/>
- Feuille James, 2011, Reforming Egypt's Constitution: Hope for Egyptian Democracy? Texas International Law Journal, Vol 47, Issue 1, p. 237-259.
- Fick Maggie, 21 May 2014, Ousted Egyptian leader Mubarak gets three years jail for embezzling millions, Reuters, <http://www.reuters.com/article/2014/05/21/us-egypt-mubarak-idUSBREA4K06720140521>
- Gallala Arndt Imen, 2012, Governance and New Political Actors: Constitutional Reforms in Tunisia, Egypt, Morocco and Jordan: A Comparative Assessment, http://www.iemed.org/observatori-en/arees-danalisi/arxius-adjunts/anuari/med.2012/gallala_en.pdf
- IBAHRI, February 2014, Separating Law and Politics: Challenges to the Independence of Judges and Prosecutors in Egypt: Report of the International Bar Association Human Right Institute, 1-88, www.factfindingguidelines.org
- Kholiaif Dahlia, 5 August 2013, The Egyptian army's economic juggernaut, Al Jazeera, <http://www.aljazeera.com/indepth/features/2013/08/20138435433181894.html>
- Kingsley Patrick, 18 January 2014, Egypt's new constitution gets 98% 'yes' vote, the guardian, <https://www.theguardian.com/world/2014/jan/18/egypt-constitution-yes-vote-mohamed-morsi>
- Michael Maggie, 27 September 2014, Egyptian court postpones ruling in retrial of former president Mubarak over protester killings, Associated Press, <http://www.usnews.com/news/world/articles/2014/09/27/egypt-court-postpones-ruling-in-mubarak-retrial>
- Morsy Ahmad, 26 July 2013, Transitional Justice: Egypt's Way Forward, <http://www.mei.edu/content/transitional-justice-egypts-way-forward>
- Petkova Mariya, 2012, Transitional Justice in Egypt: A Comparison, New Bulgarian University and Al Jazeera Center for Studies, <http://studies.aljazeera.net/ResourceGallery/media/Documents/2013/3/5/20133510146423734Mariya%20Petkova.pdf>
- Report of the Secretary General, 23 August 2004, the Rule of Law and Transitional Justice in Conflict and Post Conflict Societies, S/2004/616, 1-24
- Sheriff Adel Omar and Brown Nathan j, 2002, Judicial independence in the Arab World, www.deontologie-judiciaire.umontreal.ca/.../ONU_jud-independence_M
- Tadros Shrine, 15 February 2012, Egypt military's economic empire, Al Jazeera,

<http://www.aljazeera.com/indepth/features/2012/02/2012215195912519142.html>

Turner Catherine, 2016, Transitional Justice in Egypt: A Challenge and an Opportunity, <https://timep.org/commentary/analysis/transitional-justice-in-egypt-a-challenge-and-an-opportunity/>

UN General Assembly, 2012, Report of the Human Rights Council, A/HRC/Res/19/36, 1-204,

http://responsibilitytoprotect.org/2012%20HRC%20report%20-%20res%2019_27.pdf

Val Garijo Fernando, 2010, Reparations for Victims as a key element of Transitional Justice in the Middle East Occupied Territories: A Legal and Institutional Approach, International Studies Journal (ISJ), Vol.6, No.4, 39-62.



۲۰۶

سیاست جهانی

فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷، پیاپی ۲۶